

# مترجم مفاهیم

### عزت‌الله فولادوند چگونه به روشنفکری آزاداندیشی تبدیل شد؟

عزت‌الله فولادوند در گفت‌وگویی با سیروس علی‌نژاد درباره تبعات کار متفاوت خود می‌گوید: «بسیاری از باسوادان و متفکران ما چپ بودند. همین کتاب «جامعه باز و دشمنان آن»، که من ترجمه کرده‌ام و می‌گویند تاثیر بزرگ داشته، اگر آن وقت‌ها ترجمه شده بود، بدون هیچ‌گونه تردیدی می‌گفتند از سفارت آمریکا پول گرفته‌ام. در مورد ترجمه کتاب مشهور آرتور کوستلر، «ظلمت در نیمروز»، گفتند سفارت آمریکا پول داده و در توزیع کتاب کمک کرده است. رفت‌وآمد فلان آقا به سفارت شوروی و به آلمان شرقی اشکالی نداشت و در جهت رهایی خلق‌های ستم‌دیده بود. اما بدا به حال کسی که کلمه‌ای در نکوهش رفیق استالین می‌گفت. عده‌ای در این کشور هنوز می‌گویند «مجمع الجزایر گولاگ» سولژنیتسین رمان است نه شرح رویدادهای واقعی. درآمدن از چنبر این افکار آسان نبود؛ قضیه همه‌گیر بود. به تعبیر هگل، روح زمانه بود.» البته این چپ‌زدگی و چپ‌روی مختص ایران نبود و ویروسی پراکنده شده در خود اروپا پس از جنگ جهانی دوم نیز بود.

فولادوند در همان گفت‌وگو اذعان می‌کند: «مارکسیسم چنان بر افکار سیطره داشت که نه تنها روشنفکران بلکه حتا مردم عادی گمان می‌بردند اگر به طرز دیگری فکر کنند، آدم‌های اُمَل و عقب‌افتاده و بی‌فرهنگی به نظر می‌آیند. طی نزدیک به سی سال، زان پل سارتر از اگزیستانسیالیسم شروع کرد و به تدریج به سمت مارکسیسم رفت. او در بالاترین موسسه دانشگاهی فرانسه در علوم انسانی، دانشسرای عالی، دوست و هم‌درسی داشت به اسم رمون آرون که برخلاف خودش متمایل به لیبرالیسم بود. سی سال انواع اتهامات را به او زدند. گفتند نوکر آمریکاست، جیره خوار امپریالیسم است. کتاب‌هایش را نمی‌خریدند. مخالفت با مارکسیسم و سوسیالیسم امروز ممکن است آسان به نظر بیاید. در گذشته کم بودند کسانی همچون آرون و کوستلر و جیلاس و حتی کامو که این خطر را به خود بخرند و

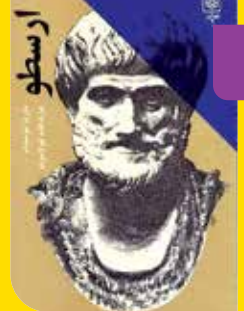
۱۰ سال اخیر است که غلبه ترجمه آثار چپ رو به افول گذاشته است. اما در میانه غلبه چپ‌گرایی بر ذهن و زبان روشنفکران و اندیشمندان ایرانی از دهه ۱۳۲۰ خورشیدی تا دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، یک مثلث استثنایی در عرصه ترجمه شکل گرفت که در استقلال کامل از امراض مارکسیستی و اغراض اگزیستانسیالیستی قرار داشت. منوچهر بزرگمهر، یحیی مهدوی و عزت‌الله فولادوند سه ضلع این مثلث را تشکیل می‌دادند که طی بیش از ۵۰ سال کوشیدند به جای اندیشه روشنفکری بر اندیشه فلسفی، به جای تفکر ایدئولوژیک بر تفکر عقلانی و به جای سوسیالیسم بر آزادی‌خواهی تمرکز کنند. بدون تردید در میان این سه تن، جایگاه عزت‌الله فولادوند، جایگاهی منحصر به فرد است. او در زمانه‌ای نسبتاً طویل‌المدت که وجه بارزش سیطره افکار چپ بر اذهان روشنفکران و فعالان سیاسی بود، یکتا و از طریق ترجمه، سخنانی از جنس دیگر را در گوش زمانه خود خواند.

#### امین محمدی‌زاد پژوهشگر

اگر کمیت و کیفیت آثار ترجمه‌شده اندیشه غربی در ۱۰ سال اخیر را نادیده بگیریم، اکثریت ترجمه‌های فارسی از متون غربی با اهداف ایدئولوژیک و با سویه‌های مارکسیستی و نگرش‌های اگزیستانسیالیستی انجام شده است. از شهریور ۱۳۲۰ و برقراری آزادی سیاسی و فرهنگی که البته با واقعه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحت تاثیر قرار گرفت، فضای ایران تشنه دانستن و مستعد خواندن آثار غربی بود. اما از مرداد ۱۳۳۲ تا خرداد ۱۳۴۲، ترجمه به عنوان یکی از مشتقات و ملحقات جریان روشنفکری در ایران، مندرج تحت مارکسیسم مکتبی شد. از خرداد ۴۲ تا پایان بهمن ۵۷ گرایش به اگزیستانسیالیسم به تب مارکسیسم افزوده شد و تا خرداد ۶۰ جامعه ایرانی مشحون از آثار ترجمه‌شده شاخه روسی مارکسیسم شد. امری که تا دو دهه بعد نیز افتان و خیزان ادامه داشت و تنها در



#### ارسطو



مارتا نوسباوم  
طرح نو

این کتاب به قلم یکی از بزرگ‌ترین ارسطوشناسان معاصر به رشته تحریر درآمده است. خوانندگان کتاب ارسطو را در چشم‌اندازی تازه و به دور از تعابیر کهنه و منسوخ می‌بینند و ژرفا و گستره اندیشه او و ارتباط آن را با مسائل فلسفی و عمومی امروز بهتر مشاهده می‌کنند. چه اینکه در سراسر تاریخ فلسفه، گذشته از افلاطون و کانت، شاید هیچ‌کس ژرفا و پهنای اندیشه او را نداشته باشد.

#### خشونت



هانا آرت  
خوارزمی

عزت‌الله فولادوند در بخشی از پیش‌گفتار خود بر این کتاب بسیار مهم چنین می‌نویسد: هرگاه انسان از زندگی و نیروی آفریننده آن ناامید شده، به مرگ توسل جسته است یا خواسته با گذشتن از جان دمی تازه از راستی و داد در پیکر دنیای خویش بدمد و بمیرد تا دیگران زنده بمانند و یا جان دشمن را بستاند و بمیراند تا خود زنده بماند.

#### آلبر کامو



کانر کروز اوبراین  
خوارزمی

هدف پروفسور اوبراین از نوشتن کتاب حاضر آن بوده که سیر اندیشه آلبر کامو را بدان صورت که در آثار وی و فرازونشیب زندگانی سیاسی اش متجلی است، به خوانندگان امروز بازشناساند. بیش از ۱۰ سال از مرگ کامو می‌گذرد و هنوز نام وی سر زبان‌هاست. قدر و اهمیت او اکنون روزگاری دراز است که از دایره خواص در اروپا و غرب گذشته و نزد صاحب‌نظران در همه جهان پیدا شده است.